

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

حمید بهشتی
۱۳ مارچ ۲۰۱۷

معرفی کتاب ایران جدید



شارلوت ویدمن

“ایران جدید” کتابی است که در نهایت شناخت و با دیدی بی طرفانه و عمیق ایران جمهوری اسلامی را معرفی می کند. من هرگز کسی را که با این عمق جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی را فهمیده باشد نیافته ام. این کتاب بسیاری از معماها را برایم حل کرد.
به نقل از کتاب :



روی جلد

دین

نویسنده به نقل از دینداران می نویسد:

“هیچ چیز به اسلام در تاریخ ایران آنقدر صدمه نزده است که جمهوری اسلامی زده.”

"پیش از انقلاب دینداران و بی دین ها وجود داشتند، مؤمنین وجود داشتند و کسانی که دین را کنار گذاشته بودند، از آن دوری جسته و فرار می کردند. کسانی که از اسلام نفرت داشته باشند وجود نداشت. اینها تازه امروزه به وجود آمده اند. و آنها بیش از همه در میان جوانان و خانواده های مقرب به رژیم به وجود آمده اند، در میان قشر تازه به ثروت رسیدگانی، که با روابط خوب و معاملات سیاه به نحو فاجعه باری مرفه گشته اند.

فرزندان آنان از نزدیک مشاهده کرده اند چگونه دین وسیله ریا گشته است. آنها اکنون ریاکاری را می کوبند، بدین طریق که به شدت ضد اسلامی زندگی می کنند، با پارتی های سکسی و استفاده از مواد مخدر در کنار استخرهای ویلاهای فخرآمیز و با سوار شدن بر ماشین های تند رو گرانیقیمت. بدانها آوازده گویند، فرزندان اشخاص بالا مقام. این در گذشته ها لقبی محترمانه بود. اما امروزه توهین آمیز گشته است.

اما مانند همه چیز در همین ایران وجه دیگری نیز هست. علی رغم دین حکومتی و حتا خلاف آن زندگی شیعی دیگری وجود دارد و مردم دینی زندگی می کنند. در چشم انداز ویژه ای که جمهوری اسلامی ایجاد نموده است، دین نیز وجوه گنج کننده ای را نشان می دهد که شاید فقط برای ما گنج کننده باشد. زیرا آنچه امروزه در ایران صورت می گیرد را شیعه از پیش آماده کرده است. دینی بودن در اینجا وضعیت فردی یافته است.

یک موزائیک واقعی! نمونه اش خانواده ایست که من در شیراز یافتم. مادر دیندار است، پدر نیست. از دو پسر آنها که هر دو دانشجوی رشته های صنعتی هستند یکی مذهبی است و دیگری نیست و آن یکی که مذهبی است به لحاظ سیاسی به رژیم شدیدتر انتقاد می کند.

در ماه رمضان حتا در کودکانی که به نظام وفادار است مانند کودکان خیرگزاری رسمی، کارمندانی که روزه نمی گیرند نهارشان را در یکی از دفاتری که آنزمان استفاده دیگری از آن نمی شود می خورند. همه این را می دانند، اما کسی در باره اش حرف نمی زند.

در شب موسوم به "لیلة القدر" که در روزهای پایانی رمضان است کسانی که حضور دارند به هنگام نماز ویژه ای قرآن را به نشان احترام بر روی سرهای خود می گذارند. در حیاط مسجد یکی از محلات اعیان نشین تهران همسایه ها نور آبی رنگی را مشاهده کردند. برخی از مؤمنین تابلت هائی را که قرآن در آنها ضبط بوده، بر سرهای خویش نهاده بودند.

هر که بخواهد دینی زندگی کند، به نحوه خود اینکار را انجام می دهد. او می تواند از یکی از شعرای ایران الهام گیرد. از سهراب سپهری که در آغاز سال ۱۹۸۰ به سرطان خون فوت کرد. جوانان ایرانی در اشعار او معنویتی را فارغ از شعار و ریا می یابند. دنیائی که هر کس نماز خویش را در آن آغاز می کند:

“قبله ام یک گل سرخ

جانمازم چشمه ، مُهرم نور

دشت، سجّاده من

من ، وضو با تپش پنجره ها می گیرم

در نمازم جریان دارد ماه، جریان دارد طیف”

Charlotte Wiedemann: Eine Gesellschaft tritt aus dem Schatten, dtv, 978-3-423-28124-9

۱۰ مارچ ۲۰۱۷ - برلین